

خبر

بهمنی: در انتقال دارایی‌های کشور مشکلاتی با برخی کشورها داریم

● ایژنه‌رییس کل بانک مرکزی گفته است: «در بحث نقل و انتقال دارایی‌های خود مشکلاتی با برخی از کشورها داریم. در حال حاضر وجوه حاصل از درآمدهای نفتی در کشورهای مختلف پس از خرید به حساب آنها واریز می‌شود. بر همین اساس باید به سوی انطباق هرچه بیشتر الگوی تجارت خارجی با الگوی درآمدهای ارزی حرکت کنیم.» (حمود بهمنی)
با بیان آنکه مشکلات دو موسسه مالی و اعتباری در سال‌های گذشته، کشور را با معضلاتی مواجه کرده، اظهار داشت: عملکرد هر یک از موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه که با ضوابط بانک مرکزی مطابقت نداشته باشد، تعطیل خواهند شد. وی با اشاره به تبدیل ۱۷۰۰ تعاونی به ۱۴ تعاونی اعتباری گفت: تعاونی‌های جدید باید ضوابط بانک مرکزی را بپذیرند و فعالیت‌های‌شان مطابق با این بانک باشد. وی با اشاره به خرید صدمیلیون لوراق قرضه راه‌آهن آمریکا توسط یک موسسه مالی و اعتباری افزود: چنین موسسه‌ای نباید در کشور فعالیت داشته باشد. برخی از موسسات و قرض‌الحسنه‌ها ۳۰ تا ۳۰۰ سال بدون مجوز در کشور فعالیت کرده‌اند و به همین دلیل نظارت بر آنها به دلیل حجم بالای منابع و تعداد شعب بسیار مشکل است.

عضو شورای رقابت:

افزایش قیمت خودرو

با دستور رییس‌جمهور بوده است

● فارس: عضو قضایی شورای رقابت درباره افزایش قیمت خودرو، گفت: پیش از آنکه خودروسازان مستندات خود را برای افزایش قیمت ارائه دهند، مصوبه هیات وزیران که به تأیید رییس‌جمهور رسیده بود، ابلاغ شد که به موجب بند اول آن شرکت‌های داخلی سازنده خودروهای سبک مجاز شدند تا با هماهنگی سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نسبت به فروش خودرو به قیمت تجاری (قیمت حد فاصل قیمت بازار آزاد و قیمت محاسباتی با لحاظ نرخ مبادله‌ای ارزی که توسط سیستم مذکور تعیین می‌شود) اقدام کنند. ناصر سراج، گفته است: «در پی افزایش قیمت خودرو، از سوی خودروسازان داخلی در راستای وظیفه شورای رقابت مبنی بر تنظیم دستورالعمل قیمت در مورد خودرو که با توجه به شرایط و وضعیت آن در کشور و اقتصاد انحصار محسوب می‌شود با مسوولان دو شرکت خودروسازی (ایران خودرو و سایپا) و نیز نمایندگان سازمان‌های ذریبط جلسای برگزار شد و با حضور ایشان پیرامون موضوع و علل افزایش قیمت خودروها بحث و بررسی مفصلی انجام شد. قرار شد خودروسازان مستندات و دلایل افزایش قیمت خودرو را برای بررسی و صدور دستورالعمل‌های لازم به شورای رقابت ارائه کنند تا هرچه سریع‌تر نسبت به تنظیم دستورالعمل قیمت‌گذاری و تنظیم بازار خودرو اقدام شود. اما در همین ایام مصوبه‌ای از سوی وزیران عضو کارگروه کنترل بازار به شماره ۱۲۶۴-۲ ت ۴۸۸۰۰ که مورخ ۹۱/۱۱/۹۱ تنظیم و از سوی معاون اول رییس‌جمهور ابلاغ شده به گفته او، در این مصوبه شرکت‌ها موظف شدند تا ۵۰درصد از وجوه ما به‌تفاوت قیمت محاسباتی با لحاظ نرخ ارز مبادله‌ای و قیمت تجاری در دوره‌های سه ماهه (به حساسی که توسط خزانه‌داری کل کشور مشخص می‌شود واریز کنند تا در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد. با تصویب و ابلاغ این مصوبه و عدم وصول پاسخ خودروسازان به شورای رقابت علما این شورا از انجام وظایف خود محروم شد. عضو قضایی شورای رقابت خاطر نشان کرد: هر چند که مبنای حقوقی و قانونی این مصوبه در افزایش قیمت و فروش خودرو به قیمت تجاری و سپس واریز ۹۵درصد مابه‌التفاوت آن به حساسی که توسط خزانه‌داری اعلام می‌شود و سپس در اختیار وزارت‌خانه مذکور قرار گرفته می‌شود اساسا مشخص نشده است.

مخالفت مجلس با کاهش تعرفه واردات خودرو
در همین حال یک عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی گفته است: «برخی نمایندگان مخالف واردات خودرو خارجی هستند.» به گفته نادر قاضی‌پور، امبدورام تولیدکنندگان داخلی کیفیت را به حدی برسانند که هر ایرانی به خرید تولیدات داخل رغبت نداشته باشند. او گفته است: «دولت باید در حوزه خودروسازی حضور داشته باشد، یک شبه نمی‌توان این صنعت را واگذار کرد؛ درحالی‌که خصوصی‌سازی باید مبتنی بر افزایش اشتغال و سرمایه‌سازی باشد.»

بلیت ۱۷۰هزار تومانی ۳۰۰هزار تومان شد

● **خبر آنلاین:** هرساله با نزدیک شدن به تعطیلات نوروز بازار سیاه خرید و فروش بلیت هواپیما نیز رونق می‌گیرد اما اسمال از ابتدای اسفندماه تاکنون بلیت به نرخ مصوب برای سفر به شهرهای توریستی ایران نمی‌گيرن آید مگر آنکه قصد داشته باشید پول بیشتری خرج کنید و بلیت ۱۷۰هزار تومانی را ۳۰۰هزار تومان بخرید. تا ۲۵ بهمن ماه سال جاری تمام آژانس‌های هواپیمایی از به اتمام رسیدن بلیت برای رفتن به شهرها و مناطق توریستی چون جزیره کیش خبر می‌دهند، در حالی‌که پیگیری‌های‌شان می‌دهد در صورت آنکه حاضر باشید برای رفتن از تهران به کیش بلیت یک‌طرفه را ۲۰۰هزار تومان به جای ۱۱۷۰هزار تومان بخرید قطعا برای شما مندلی در یکی از ایرلاین‌ها گیر خواهد آمد. در حالی که از نظر قانونی فروش بلیت بالاتر از نرخ مصوب تخلف محسوب می‌شود و اگر هر آژانس هواپیمایی اقدام به‌فروش بلیت به قیمتی غیر از نرخ مصوب کند به مدت سه ماه تعلیق خواهد شد. به گفته محمدحسین اکبری، مسوول دبیر‌خانه کمیته‌فنی خدمات مسافرت هوایی، در آستانه‌نوروز سال ۹۱، به دلیل مشاهده همین تخلف‌ها ۷۰ آژانس هواپیمایی تعلیق شده‌اند که از میان آنها سه آژانس هواپیمایی لغو مجوز شده‌اند.

گروه اقتصاد، مهدی الیاسی:
حسین مرعشی شخصیتی چندوجهی دارد. هم چهره‌ای سیاسی است و عضو ارشد حزب کارگزاران، هم اقتصاد را به خوبی می‌شناسد و تحلیل و برداشت کارشناسی از آن دارد، هم منتسب به خاندان هاشمی و هم معاون خاتمی بوده است. البته گفت‌وگوی «شرق» با او بررسی شرایط موجود اقتصادی بود. مسیر گفت‌وگو در همان کر بدبور اقتصاد ماند و نقد دولت و رفتار احمدی‌نژاد در آن پررنگ شد. اینکه تحریم‌ها چقدر بر اقتصاد امروز ما تأثیر دارد، اینکه هدفمندی یارانه‌ها چرا به رشد اقتصادی مطلوب منتهی نشد؟، اینکه سهم دولت در وضعیت موجود اقتصادی چقدر است، اینکه سهم فشارهای خارجی به چه میزان است، اینکه آیا مردم وعده‌های دولت در این هشت سال را از خاطر برده‌اند یا خیر، از مباحثی بود که در گفت‌وگو با مرعشی بررسی شد.

۴ شرایط اقتصادی امروز کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
تداوم سیاست‌های دولت کنونی و همین‌طور تحریم‌های اقتصادی چه سرنوشتی برای کشور رقم خواهد زد؟

ما الان شاهد چند مساله در کشور هستیم. کاهش رشد اقتصادی که پیش‌بینی می‌شود اسمال رشد اقتصادی ما منفی باشد. افزایش تورم که الان تورم بالای ۱۰درصد را بانک مرکزی قبول دارد. همین‌طور، رشد بیکاری این مسائل حاصل یک دولتی است که حجم وسیعی از منابع نفتی را در اختیار داشته دولت احمدی‌نژاد از چند مزیت برخوردار بود. یکی منبع نفتی سرشار و بی‌سابقه، دولت آقای خاتمی ۱۵میلیارد دلار منابع نفتی در طول هشت سال در اختیار داشت و کشور را با نرخ رشد اقتصادی شش‌درصد و با تورم ۱۰درصد و با صندوق ذخیره ارزی قابل قبول تحویل داد. آقای احمدی‌نژاد در یک شرایطی دارد کشور را تحویل می‌دهد که تورم بالای ۱۰درصد شده و رشد اقتصادی منفی است. این در حالی است که دولت احمدی‌نژاد در طول هشت سال بیش از ۷۰۰میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است. این خیلی اتفاقی عجیب و ناخوشایند است.

تحریم‌های که تا همین الان اعمال شده، تحریم‌های مشکل‌سازی برای کشور بوده و اگر تشدید هم بشود مشکلات را افزایش خواهد داد. به اینها باید اضافه کنیم اشتباهی که دولت ذیل هدفمندی یارانه‌ها کرده و در واقع همه مردم ایران را حقوق‌گیر دولت کرده است. یک زمانی گفته می‌شد حقوق‌گیران دولت زیاد است و باید کاسته شود اما الان همه مردم حقوق‌گیر دولت شده‌اند. این مدل هم چیزی نیست که جواب بدهد. من خیلی امیدوارم که مسوولان، انتخایات پیش‌رو را به یک فرصتی تبدیل کنند که ملم به مدیریت اقتصادی کشور بازگردد. در خیلی از کشورها هم این مساله تجربه شده، اقتصادهای بزرگی مثل اقتصاد شوروی حتی بدون اینکه دچار تحریم باشند با همین سیاست‌های تصاصیح که مشابه آن در ایران هم در حال اجرا شدن است دچار مشکل اقتصادی شدند. در ایران که ما در کنار سیاست‌های خاص اقتصادی، در وضعیت تحریم هم هستیم، شرایط اچپاب می‌کند که ما از یک طرف با اقتصاد، عقارتله و عالمانه برخورد کنیم و از سوی دیگر فضای سیاسی و بین‌المللی را طوری مدیریت کنیم که بهبودی در عرصه اقتصادی آغاز شود. به هر حال آقای احمدی‌نژاد میراث بسیار بدی برای دولت بعد از خود باقی گذاشته است.

۴ احمدی‌نژاد چندی قبل، مشکلات اقتصادی کشور و از جمله چندبرابر شدن ناگهانی قیمت دلار را بی‌ارتباط با مدیریت اقتصادی دولت دانستند و مشکلات را ناشی از تحریم‌های اقتصادی اعلام کردند که تصمیم‌گیری در مورد آن در اختیار دولت نیست. به نظر می‌آید دولت در بحث پرونده هسته‌ای در دو، سه سال اخیر از خود نوعی تمایل به حل و فصل شدن موضوع هسته‌ای را نشان داده است.

آقای احمدی‌نژاد همیشه از مسوولیت فرار می‌کرد و این هم یک مورد از فرار از مسوولیت است. مردم ایران که فراموش نکرده‌اند آقای احمدی‌نژاد در پنج سال متوالی از هشت سال دوره مسوولیت‌شان، محور اکثر سخنرانی‌های مسائل هسته‌ای بود. مردم ایران فراموش نکرده‌اند که آقای احمدی‌نژاد با ادبیات خاص خودشان دایم تکرار می‌کردند که این قدر قطعنامه بدهید تا قطعنامه‌دان‌تان راره شود! مردم فراموش نکرده‌اند که احمدی‌نژاد قطعنامه‌های شورای امنیت را کاذب‌پاره می‌نماید. حالا ایشان برای فرار از مسوولیت از اثرات تحریم‌ها سخن می‌گویند. از ایشان حداقل چیزی که انتظار می‌رود این است که مسوولیت‌پذیر باشد.

البته صحیح است که پاره‌ای از تصمیم‌گیری‌ها، از جمله بحث پرونده هسته‌ای در دولت نهایی نمی‌شود اما ایشان در پنج سال اول ریاست‌جمهوری‌اش، خود مسوول اقدامات در طول این هشت سال در حدی دولت بخشی از فرارند که در آن کار از نقش مستقیم داشته‌اند. آیا ایشان نمی‌دانست که درآمد دلاری را نباید صرف هزینه ریالی بکنند. هر چقدر کارشناسان و اساتان به ایشان گفتند و نامه نوشتند که آقا درآمد ارزی کشور افزایش پیدا کرده، چرا به شهرستان‌ها می‌روید و به مردم قول ریالی می‌دهید؟ پول ریالی خرج می‌کنید؟ درآمد ارزی باید خرج مصارف ارزی می‌شده، آن هم نه واردات کالاهای مصرفی و بعضا نامناسب خارجی، باید تکنولوژی به کشور وارد می‌شد، باید ماشین‌آلات وارد می‌شد و باید صرف سرمایه‌گذاری زیربنایی و تولیدی می‌شد. دولت آمد درآمد ارزی را تبدیل به ریا ل کرد. تورم ایجاد شد. بعد برای اینکه تورم را کنترل کنند، واردات را افزایش دادند. در واقع منابع کشور هدر رفت. احمدی‌نژاد در سال‌های اول دولتش دایم به

مجلس می‌گفت به من پول و مجوز بدهید تا خرج کنم. هر چقدر مجلس می‌گفت این کار صحیح نیست، ایشان بر این مساله اصرار داشتند. الان در سال آخر دولت چه شده است؟ الان کار به جایی رسیده که بودجه عمرانی به زیر ۱۲درصد رسیده است. دولتی که این‌قدر ادعای کار و سازندگی می‌کرد به بخش عمرانی ۱۲درصد بودجه اختصاص داده است. الان دولت آمده بودجه تمام پروژه‌های مهم و ضروری کشور را حذف کرده یا به شدت کاهش داده و منابعش را روی یک تعداد پروژه خاص متمرکز کرده و اسمش را هم گذاشته مهر ماندگار. مگر آقای احمدی‌نژاد اجازه دارد بودجه سایر بخش‌های کشور را حذف کند فقط به خاطر چند پروژه خاص.

۴ بسیاری از اصولگرایانی که در دوران دولت آقای خاتمی همیشه عنوان می‌کردند که نگران وضع اقتصادی و معیشت مردم هستند الان در مقابل مشکلات اقتصادی سکوت کرده‌اند و حتی برخی از آنان مدعی هستند که وضع اقتصادی مردم خوب است!

خب البته شرایط اقتصادی آنان خوب است، وقتی می‌گویند شرایط خوب است منظورشان این است که شرایط خودشان خوب است!

۴ واقعیات اقتصادی گویای آن است که در سال‌های اخیر بخش تولید بیشترین آسیب را از سیاست‌های موجود دیده است. ارزیابی‌تان از وضعیت بخش تولید چیست؟
اسمال اقتصاد رشد منفی پیدا کرده است. وقتی ریزتر می‌شویم و به جزئیات بخش‌های مختلف اقتصاد توجه می‌کنیم، بخش تولید بیشترین آسیب را دیده است. مثلا خودرو ۵۰درصد کاهش تولید داشته است. تولیدات کشاورزی کاهش

پیدا کرده است. تولید صنعتی در رسته‌های مختلف کاهش پیدا کرده است. تولید نفت تحت‌تأثیر تحریم‌ها کم شده است. به هر حال آمارهای صحیحی منتشر نمی‌شود. آمارهای پراکنده‌ای که در دسترس هست تأیید می‌کند که در سال پایانی دولت احمدی‌نژاد، رشد تولید ملی منفی است.

۴ با کاهش تولید نفت اشاره کردید. در کنار کاهش تولید نفت، مساله دیگری این است که

ایران امکان دریافت‌از حاصل از فروش همین میزان نفت کنونی را نیز ندارد. به همین دلیل در وزارت بازرگانی، ستادی برای تها تر کالا با نفت تشکیل شده است. چند روز پیش هم وزیر صنعت و بازرگانی گفت که صنایع کشور برای سال ۹۲ آماده باشند تا صادرات محصولات‌شان را آنقدر افزایش دهند که ارز حاصل از صادرات کالا جایگزین فروش نفت شود. چنین ایده‌ای در صورت واقعی است؟ صنایعی که در داخل کشور با مشکلات عده‌ایه دست به گریبان هستند و به لطف یک شرایط غیررقابتی امکان پیدا پیدا کرده‌اند آیا اسکان آن را دارند که با صادرات‌شان در کوتاهمدت به جایگزینی برای در آمد نفت بدل شوند؟

اگر بخواهند صادرات تولیدات صنعتی و کشاورزی تا حدی افزایش پیدا کند باید قیمت‌ها در داخل کشور آن قدر بالا برود که مردم در داخل نتوانند مصرف کنند. چون ما تولید مازاد که نداریم، باید با افزایش قیمت‌ها از مصارف داخلی کاسته‌شود تا مازاد تولید برای صادرات ایجاد شود. الان مثلا پاکستان صادرکننده برنج است اما این به این معنی نیست که مردم پاکستان به اندازه کافی برنج می‌خورند. برنج در پاکستان این قدر گران است که مردم نمی‌توانند بخورند. در نتیجه صادر می‌شود. اگر وضعیت کنونی ادامه پیدا کند، با افزایش قیمت ارز، صادرات به‌صرفه می‌شود مشروط به اینکه باز خودشان جلو صادرات را هم نگیرند. مشکل این است که دولت از یک مدل صحیح که پیروی نمی‌کند. در شرایطی که کشور محتاج ارز است ناگهان می‌آیند جلو صادرات برخی کالاها را می‌گیرند؛ مثلا ناگهان می‌گویند صادرات خاویار ممنوع است چون قیمت‌شان افزایش پیدا کرده و مردم نمی‌توانندد خاویار بخورند. اگر قرار باشد همه مردم ایران خاویار بخورند، که اصلا مازادی برای صادرات باقی نمی‌ماند.

۴ به بعضی تأثیرات مثبت افزایش قیمت دلار در رشد صادرات اشاره کردید. این مساله در کاهش واردات برخی

کالاهای هم تأثیر داشته، به طور مثال آلان قیمت‌ها در وارداتی گران‌تر از شکر تولید داخل شده و تولید داخلی به‌صرفه شده است. به طور طبیعی این‌گونه است. یعنی اگر این روندی که آقای غفنگری، وزیر صنعت و بازرگانی، در خصوص جایگزینی صادرات کالا به جای صادرات نفت می‌گویند، واقعا می‌خواهند که اتفاق بیفتد باید دلار آن قدر گران شود و به تبع آن قیمت‌ها در داخل آن‌قدر بالا برود که از مصرف ملی

اقتصاد

حسین مرعشی در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد

همه از ۸سال گذشته درس بگیریم



عکس:

آیدین راهبر شرق

و داخلی کاسته‌شود تا مازاد تولید برای صادرات ایجاد شده و صادرات افزایش پیدا کند. این منجر به رفاه مردم نمی‌شود، فقط اداره کشور را بدون درآمد نفت ممکن می‌کند.

۴ اگر از مصرف داخلی کم‌شود، آیا تولیدات صنعتی و کشاورزی ما قابلیت صادرات به بازارهای رقابتی جهانی را دارند؟

بخشی از کالاهای ما (مثلا تولیدات کشاورزی و صنایع غذایی) امکان صادرات به بازارهای رقابتی جهانی را دارند. بخشی دیگر از کالاهای ما ممکن است امکان صادرات به کشورهای پیشرفته را نداشته باشند و در آن بازارها به سایر رقبای نتوانند رقابت کنند اما اگر قرار باشد در خیلی از کشورهای در حال توسعه و فقیرتر از خودمان صادر کنیم، امکان پذیر است. باید برای کالاهای مختلف، بازارهای هدف‌مان را مشخص کنیم.

۴ مسوولان از یک طرف بر ضرورت رشد صادرات کالاهای غیرنفتی تأکید می‌کنند و از طرف دیگر هر وقت

قیمت برخی کالاها (مثلا مرغ، گوشت، تخم‌مرغ، غولفه دامی، زعفران، محصولات پتروشیمی و اخیرا پسته) در داخل کشور بالا می‌رود
دورا برای آید چند ماه جلو صادرات این محصولات را می‌گیرند. بازارهای صادراتی که به‌سادگی به دست نمی‌آیند. با وجود رقبای نیرومند در بازارهای رقابتی جهانی اگر ما برای مدتی محصولات‌مان را صادر نکنیم، رقبای به‌سرعت جایگزین ما می‌شوند. این‌گونه نیست که مثلا ما برای چهارپاهای کم محصول را صادر کنیم. بعد دوباره وارد شویم و به خریداران بگوییم دوباره بیا باید نیاز‌تان را از من خریداری کنید. آیا این رفتارهای دولت نشان‌دهنده تناقض و عدم وجود یک نگاه جامع به صادرات نیست؟

این قبیل رفتارهای دولت بیشتر تبلیغاتی است. به همین دلیل خودشان هم روی آن نمی‌ایستند. مثلا در همین موضوع پسته آمدند تبلیغات کردند که به مردم بگویند ما می‌خواهیم پسته را ارزان کنیم. اصا حتی دو روز هم نتوانستند آن را اجرایی کنند. دلیل آن هم همین مواردی است که شما درخصوص ضرورت‌های صادرات گفتید. این اقدامات دولت اصلا به قصد پایین آوردن قیمت پسته برای مصرف‌کننده داخلی نیست. بیشتر

به قصد تبلیغات در داخل است. اقتصاد را این‌گونه نمی‌توان اداره کرد.

۴ در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، اصطلاح «دیپلماسی اقتصادی» بسیار رایج است. یعنی سیاست خارجی و دیپلماسی باید در خدمت اهداف اقتصادی باشد. الان ضعف عملکرد سیاست خارجی ما به گونه‌ای است که ما نه تنها ضروری در بازارهای جهانی نداریم که در حال دست دادن برخی از بازارهای منطقه‌ای هستیم. وقتی دولت می‌گوید در پاسخ به تحریم نفت، صادرات کالاها و خدمات ایرانی را افزایش می‌دهیم و آن را جایگزین درآمد نفت می‌کنیم، آیا سیاست خارجی کنونی با این هدف همخوانی دارد؟

سیاست‌گذاران، سیاست با عنوان استکبارستیزی دارند. به نظر من ما اگر اقتصاد نیرومند نداشته باشیم، روغن چراغ این منشل به مرور به اتمام می‌رسد. چون مادرسی از تولید ناخالص داخلی‌مان را می‌توانیم در این قبیل مسائل هزینه کنیم. وقتی مجموع اقتصادمان رشدش پایین باشد، مقدار آن‌درصد هم کاهش پیدا می‌کند. اگر ما بگوییم مثلا پنج‌درصد از تولید ناخالص داخلی‌مان را می‌خواهیم به امور امنیت یا گسترش حوزه نفوذمان در منطقه‌اتخصص بدهیم اینتیا نهادهای امنیتی و نظامی کلاما مدافع رشد اقتصادی کشور می‌شوند، چون هر چقدر کیک اقتصاد بزرگتر شود سهم آنها از آن پنج‌درصد هم بیشتر می‌شود.

۴ یکی از اقدامات دولت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بود. آیا دولت در این حوزه موفق بود؟

حذف یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها بر مبنای قیمت‌های بازار، اقدامی اصولی و صحیح است. افزایش حجم یارانه‌ها در اقتصاد ملی ما از یک طرف به دلیل وجود تورم و از طرف دیگر به دلیل ثابت نگه‌داشتن حامل‌های انرژی بود. اگر دولتی بخواهد با موضوع یارانه‌ها به صورت کاملا کارشناسی و واقعی برخورد کند، میبایست باید به ترتیب زیر باشد:

یکی اینکه قدر مطلق یارانه‌ها را ثابت نگه دارد و قیمت‌های حامل‌های انرژی و ارز را شناور کند. وقتی قیمت دلار در بازار واقعی به ۲۸۰۰ تومان رسیده است و دولت هنوز به بخش‌هایی از اقتصاد دلار ۱۲۲۴ تومانی می‌دهد و به بخشی دیگر دلار ۲۵۰۰ تومانی می‌دهد این یعنی حجم جدیدی از پرداخت یارانه‌ها ایجاد شده است. در واقع دولت دارد به دلار یارانه می‌دهد و حجم پرداخت یارانه‌ها را افزایش داده است. اگر مثلا اسمال دولت ۱۰میلیارد دلار ۱۲۲۴

تومانی داده باشد، یعنی مابه‌تفاوت آن تا ۲۸۰۰ تومان بازار می‌شود چیزی حدود ۲۵۰۰تومان برای هر یک دلار که ۱۰میلیارد دلار آن می‌شود حدود ۲۵هزارمیلیاردتومان یارانه جدید. اولین گام هدفمندی این است که دولت اعلام کند از امروز قدر مطلق یارانه‌ها را ثابت نگه می‌دارد و قیمت حامل‌های انرژی و ارز را شناور می‌کند تا بر مبنای قیمت‌های تعادلی بازار و قیمت‌های جهانی تعیین شوند.

گام بعدی این است که دولت تورم را کاهش دهد. وقتی تورم بر مبنای اعلام خود دولت ۳۱درصد است، معنی‌اش این است که قیمت دلار و بنزین باید سالی ۳۱درصد افزایش پیدا کند تا یارانه جدید ایجاد نشود. تورم ۳۱درصد یعنی اگر مثلا قیمت دلار در ابتدای سال ۳۰۰۰ تومان بوده در آخر سال باید بشود ۴۱۰۰ تومان. اگر اول سال ۹۲ قیمت دلار ۴۱۰۰ تومان باشد در آخر سال ۹۲ با تورم ۳۲درصد باید بشود بیش از ۶۱۰۰ تومان. این اتفاق و این مقدار تورم، اجرای هدفمندی را دشوار می‌کند و باعث می‌شود فضای عمومی طوری شود که ناچار باید عقبگرد کرد. دولت برای اجرای موفق هدفمندی باید تورم را کنترل کند.

گام سوم این است که در کنار ثابت نگه‌داشتن قدر مطلق یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها به جای اینکه به مصرف باشد باید به تولید پرداخت شود. باید به صادرات پرداخت شود. باید به ایجاد اشتغال پرداخت شود. به جای پرداخت مستقیم پول به مردم باید صرف ایجاد تأمین اجتماعی بشود. باید صرف کل کردن مساله درمان بشود. اگر هم خواستند پولی به مردم بدهند به جای پرداخت یارانه، دولت می‌تواند حقوق کارمندان و کارگران را افزایش بدهد. قانون هم همین را می‌گوید که به اندازه تورم باید دستمزدها افزایش پیدا کند. دولت حقوق مردم را درست پرداخت نمی‌کند، بعد همان میزان پول را به عنوان یارانه در جیب مردم می‌گذارد. دولت باید حقوق کارمند، کارگر و بازنشسته را ترمیم کند. می‌ماند دو دهک پایین جامعه که به آنها باید با حفظ منزلت‌شان یارانه پرداخت شود.

در هدفمندی هیچ کدام از این اصول رعایت نشده. نه تنها هیچ یک از این اصول رعایت نشد که الان به جای دو میلیون ایرانی، ۷۵ میلیون نفر به حقوق‌گیر دولت بدل شده‌اند. قرار نبود تعداد کارمندان دولت افزایش پیدا کند اما الان عملا ۷۵ میلیون نفر حقوق بگیرد شده‌اند.

اساسا کشورهای در حال توسعه مثل کشور ما یکی از مشکلات اصلی‌شان مساله انباشت سرمایه است. در اقتصادی مثل اقتصاد ما انباشت سرمایه ضعیف است. چون عموم مردم به اندازه مایحتاج روزانه‌شان بیشتر درآمد ندارند و در نتیجه نمی‌توانند پس‌انداز کنند. خانواده‌اگر بدهی‌شان افزایش پیدا نکند و زندگی روزانه‌شان را خوب مدیریت کنند حداکثر می‌توانند درآمدشان را به هزینه‌شان برابری کنند. در چنین کشوری سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. درآمد مردم اگر باشد، پس‌انداز انجام نمی‌شود. پس‌انداز که کم باشد سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد. سرمایه‌گذاری که صورت نگیرد، درآمد اضافه نمی‌شود. حاصل این می‌شود چرخه و سیکل معیوب فقر. الان در کشور ما همین درآمد نفتی که وجود دارد و کمبود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری از سوی مردم را جبران کرده است در قالب هدفمندی یارانه‌ها مبالغی جزئی میان مردم توزیع می‌شود. این ۸۰هزار تومان پرداختی تماما برای نیازهای بومیه می‌شود و هیچ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌ای صورت نمی‌گیرد. همه آن نصیب واردکنندگان اجناس بنجل چینی می‌شود. در کشوری مثل ایران که به اندازه کافی می‌شود پروژه برایش تعریف کرد و سالی بیش از ۱۵۰میلیارد دلار درآمد نفتی دارد در این کشور که نباید صحبت از پرداخت یارانه نقدی باشد. ایران کشور سرمایه‌گذاری است. کشورهای صنعتی غربی اگر مشکل دارند به دلیل این است که پروژه‌های جدیدی در اقتصادشان نمی‌توانند تعریف بکنند. مازاد سرمایه‌دارند، اما نیروگاه به اندازه کافی دارند. پالایشگاه و پتروشیمی به اندازه کافی دارند. کارخانه خودروسازی به اندازه ظرفیتی دارند. اتوبان‌های‌شان تکمیل است. راه‌آهن‌شان تکمیل است. شبکه برق‌رسانی و آبرسانی‌شان تکمیل است. یعنی دارند چه پروژه‌ای تعریف کنند. اما ایران واقعا کشور پروژه‌هاست. ایران کشوری است که باید حداقل هزارمیلیارد دلار در آن پروژه تعریف شود. صدمیلیارد دلارش را با اعتبارات ملی می‌توان پرداخت کرد. ۹۰۰میلیارد دلار دیگرش را باید از خارج و از پس‌انداز سایر کشورها جذب کشور کرد. باید زیر ساخت‌های مثل پروژه‌های راه‌آهن، مترو، فاضلاب و ... را در تمام کشور فعال کرد و در کنار زیرساخت‌ها به سوی تقویت تولید، مکانیزه کردن کشاورزی، ایجاد پالایشگاه و پتروشیمی و توسعه صنعتی کشور حرکت کنیم. یعنی همه این جمعیت بیکار مشغول کار شوند و به جای اینکه ماهی ۴۰هزار تومان یارانه دریافت کنند، ماهانه یک حقوق آبرومند دریافت کنند.

۴ پس شما سیاست توزیع پول نفت به اسم پرداخت یارانه‌ها را مناسب ارزیابی نمی‌کنید؟

اینکه آقای احمدی‌نژاد علاقه به توزیع پول نفت در قالب یارانه‌ها را دارد به دلیل این است که ایشان فقط معجزه پول را می‌شناسد. در دوران شهرداری تهران، وام ازدواج و پرداخت پول به هیات‌ها را تجربه کرد و سپس همین مدل را در دوران ریاست‌جمهوری‌اش به کل ایران تعمیم داد.

۴ در سال پایانی دولت آقای احمدی‌نژاد، جمع پت‌ن‌اندی از تجربه احمدی‌نژاد چیست؟ آینده را چگونه می‌بینید؟ امیدوارم از این هشت سال، همه نهادهای نظام و همه سیاسیون ایران، بدون تعصب تجربه‌ای آموخته باشند و آن تجربه این باشد باید همه با هم باشیم. باید نسبت به همه مدارا داشته باشیم و باید همه به کشورمان کمک کنیم و به نظر من راهش هم انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو است. انتخابات آینده می‌تواند نقطه عطفی باشد برای برگشت از سیاست‌های اشتباه. هم در عرصه اقتصاد، هم در عرصه بین‌الملل و هم در عرصه سیاست داخلی. اگر از این هشت‌سال به اندازه کافی آموخته باشیم می‌توانیم انتخابات آینده را به نقطه‌عطفی تبدیل کنیم که روند بهبودی آغاز شود.

ادامه از صفحه اول

زوایای پنهان بودجه ۹۲

سال گذشته در حد همین ۲۷هزارمیلیاردتومان تصویب شد در حالی‌که تاکنون که در اسفندماه قرار داریم، تنها ۲۰درصد از اعتبار عمرانی طرح‌ها داده شده است. در واقع دولت به‌گونه‌ای عمل می‌کند که طلب پیمانکاران مشغول کار، پرداخت نشود و همه این فشارها به دولت یازدهم منتقل خواهد شد. با توجه به حدود ۸۰درصد مطالبات پیمانکاری در سال‌جاری، این رقم به اضافه بدهی‌های سنوات گذشته نیز به دولت یازدهم به ارث خواهد رسید. ماجرای بسیار مهم دیگر، بحث یارانه‌هاست که از روز اول، یکی از نقاط اختلاف میان دولت و مجلس بوده است. مجلس معتقد بود برای اینکه تورم حاصل از هدفمندی، فشار غیرقابل تحمل به مردم وارد نکند، آزادسازی قیمت‌ها با شیب ملایم پنج‌ساله صورت بگیرد. در سوی مقابل دولت می‌گفت در دو سال اول، این کار باید به سرانجام برسد؛ به هر حال با تصویب لایحه در مجلس، همان شیب پنج‌ساله به قانون تبدیل شد. خولتگذار «شرق» حتما می‌داندن کل یارانه‌ای که در کشور در سال پرداخت می‌شد حدود صد هزارمیلیاردتومان بود اما دولت قصد دارد ناگهان ۱۲۰هزارمیلیاردتومان به عنوان درآمد یارانه‌ها در بودجه در نظر بگیرد. معنای این حرف چیست؟ این رقم حدود دو برابر پارسل و ۲۰هزارمیلیاردتومان بیش از سقف یارانه کشور است. منبع آن از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی، جز بنزین سه‌هزارتومانی و گازوئیل دوهزارتومانی، چه می‌تواند باشد؟ این امر تنها به دامن زدن کاذب توقعات مردم می‌انجامد که به آنها اعلام کنند: «هر وقت خواستیم پول در جیب مردم بگذاریم، صدای ععدای درآمد» متأسفانه دولت از روشی استفاده می‌کند تا افکار عمومی و بخش‌هایی که درآمد یابینی دارند بیش خود حساب کنند که دولت می‌خواهد پنج برابر بیشتر به حساب آنها واریز کند اما مجلس مانع است. این در حالی است که گزارش تفریق بودجه سال ۹۰ آماده است و قرار بود در دهه مبارک فجر قرائت شود که دیدند کلام ملت را تلخ می‌کند. قرار بود پس از آن در مجلس خوانده شود که با فرمایشات رهبری، فعلا الان نحوه هزینه‌بودجه اعلام نمی‌شود. اگر این گزارش قرائت شود مردم خواهند دید که تخلفات قانونی از بودجه نسبت سال‌های قبل، چه میزان افزایش یافته است.

تأیید مسوول این بود که با توجه به درآمد ارزی لحاظ شده از فروش نفت، قیمت دلار بیش از ۲۱۰۰تومان در نظر گرفته شده که این به معنای کاهش ۵۰درصدی ارزش پول ملی حتی با نرخ ز رسمی است که به تبع آن، ثروت عمومی کشور نیز کاهش پیدا می‌کند. در سال ۹۰ بهای دلار ۱۰۵۰۰ تومان و در سال ۱۳۹۱تومان در نظر گرفته شده بود که با این حال، دلار به ۲۰هزارتومان در بازار آزاد هم رسید. حال که ۲۱۰۰تومان در نظر گرفته شده به نظر می‌رسد دولت به دنبال تأمین کسری خود از مابه‌التفاوت فروش در بازار آزاد است. در حالی‌که هیچ کشوری، این‌گونه عمل نمی‌کند. اگر پدری، شغل خود را از دست بدهد به فرزندانش می‌گوید که خریدایی که به آنها وعده داده شده بود را مثلا برای یکسال به تأخیر بیندازد و به سمت استقراضی نمی‌روند. وقتی درآمد نفتی ما کاهش یافته، باید با اولویت‌بندی پروژه‌های زودبازده، شرایط را مدیریت کرد و همچنین باید زودتر لایحه درآمد مالیاتی که سه سال است قرار بر ارائه آن است به مجلس داده شود تا کشور برمبنای درآمد سالم اداره شود. این روش بودجه‌ریزی، غیرواقعی است و این بهای خود را درآمدها تحقق نیابد و طبیعتا در آخر سال با کسری بودجه مواجه می‌شویم و این مسوولی افزایش تورم است و دودش مستقیما در چشم مردمی می‌رود که دولت داعیه‌دار حقوق آنهاست. در این میان کاهش فروش نفت به زیر یک میلیون بشکه موضوع مهمی است. در همان ابتدای تحریم‌ها، دولت باید بودجه تحریمی تنظیم می‌کرد نه اینکه گفته شود قطعنامه‌ها کاغذپارهای بیش نیست؟ بعد قطعنامه‌های دوم، سوم و چهارم تصویب شد و باز هم کم‌توجهی‌ها ادامه داشت. حال امروز گفته می‌شود همه گرفتاری‌های داخل کشور به دلیل تحریم است. کارشناسان با تأکید کرده‌اند که لااا زمینه‌سازی تحریم‌ها، باید با توجهی به تولید ملی رقم خورد تا نایا سودمیدریت، اثر بیشتری به نسبت تحریم‌ها داشته است. هنر دیپلماسی باید این باشد که جلوی اجماع جهانی را بگیرند. حال چه باید کرد؟ آیا همچنان باید تنش در داخل و کم‌توجهی به الزامات دیپلماسی ادامه داشته باشد یا باید نشست و برای رونق‌فرت راه چاره‌ای پیدا کرد؟ طبیعتا باید روش نوم را انتخاب کرد. تناقضات گفتاری و رفتاری دولت در این سال‌ها دیده شده که مشخص نیست این‌بار در بودجه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

بریده اخبار

- فارس: رییس سازمان بازرسی کل کشور: «سلطان پتروشیمی ایران که اخیرا بازداشت شده، در حال باز جویی و بازرسی بوده که جزئیات آن قابل ذکر نیست.»**
- فارس: یک منبع آگاه: برخی از مقامات ایران درخواستی ارسال کرده‌اند که در ازای بدهی ترکیه برای گاز صادراتی ایران آن کمبلی حدود صمیلیارد دلار است کشتی‌های تجاری و قایق‌های تفریحی در اختیار ایران قرار گیرد.**
- فارس: با نهایی شدن قرارداد صادرات گاز ایران به عراق رقابت ایران و قطر برای احداث خط لوله صادرات گاز به لبنان تشدید شد به طوری که قطر برای آنکه بتوانند گاز خود را به لبنان و اروپا صادر کنند به دنبال احداث خط لوله صادرات گاز به کشور عراق و سوریه و از آنجا به لبنان هستند.**
- ایلنا: رییس اتحادیه بازرشوران گفته است: «هلت افزایش قیمت پیاز روی روزهای گذشته صادرات بی‌رویه آن به عراق بود.»**